



۲۰۲۱ / ۱۰ / ۴



کاندید اکادمیسین سیستانی

## معاشات حیرت انگیز مقامات بلندیپایه دولت کرزی - غنی

از چهاردهه به اینسو، پیوسته برسرملت مظلوم ما، مصیبت و بدبختی می بارد و هیچ روزی نبوده که رسانه های داخل و خارج افغانستان، از جنگ و خون ریزی، از کشت و کشتار مخالفین دولت و از بمباردمان های هوایی و زمینی بر خانه ها و قلعه ها و روستاها و دهکده های مردم ما گزارشی به نشر نرسانند و از بدبختی و در بدری و آوارگی مردم ما، خبری نداشته باشند.

در ۲۰ سال اخیر طبیعت توسط زلزله، طالب با حملات انتحاری و داعش با تیغ تکفیر و ناتو با بمباردمانهای بی امان و مکرر خودملت ما را نابود کرده و دولت افغانستان با وضع قانون معاشات فوق العاده به اراکین بلند پایه فاسد خود، خون ملت را مکیده است!

**اینست نصیب ملت ملت فقیر و بدبخت و جنگ زده، مجاهد زده، طالب زده، داعش زده، روس و انگلیس و امریکا زده، کرزی و اشرف غنی و عبدالله زده، و سرانجام پاکستان زده افغانستان!**

اگرچه با سقوط دولت جمهوری اسلامی و بقدرت رسیدن طالبان قانون اساسی و سایر قوانین نافذ آن نظام یکجا با رهبران و سران قوای ثلاثه آن نیز بگورستان تاریخ سپرده شد. اما برخی قوانین برخاسته و بر ساخته از قانون اساسی چنان غیر عادلانه و ناروا تصویب و نافذ شده بود که با قانون هیچ کشوری شباهت نداشت و تنها میتوانست با قانون جنگل همسانی داشته باشد. یکی از این قوانین غیر منصفانه و غارتگرانه، قانون جدید معاشات و امتیازات حیرت آور اراکین بلند پایه دولت در ۲۰ سال اخیر بود.

حامد کرزی در سال ۲۰۱۳، به استناد ماده ۷۰ قانون اساسی که میگوید: «رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت به استثنای حالت عزل برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید میشود» قانون جدید معاشات و امتیازات برای خود و اراکین بلند پایه دولت فاسد خود را وضع و به پارلمان فرستاد. بعد از آنکه پارلمان هم خود را شامل لیست آن معاشات و امتیازات ساختند، آنرا تصویب و رئیس جمهور کرزی بدون کوچکترین تعلل و تعدیلی آنرا توشیح و نافذ کرد.

کرزی پس از ختم دوره ریاست جمهوری خود، ماهانه مبلغ (۹۶۰۰۰۰۰ افغانی) و سالانه (۱۱۵۲۰۰۰۰۰ افغانی) از دولت معاش میگرفت. و هر یک از معاونین او ماهانه (۲۷۶۰۰۰۰ افغانی) (سالانه ۳,۳ میلیون افغانی)، جمعاً (شش میلیون و ششصد هزار افغانی) و رئیس ولسی جرگه و سناریک ماهانه (۲۲۷۰۰۰۰ افغانی) و سالانه (دو میلیون هفتصد هزار افغانی) و رئیس ستره محکمه نیز ماهانه (۲۲۷۰۰۰۰ افغانی) و سالانه (دو میلیون هفتصد هزار افغانی) از جیب این ملت فقیر معاش و امتیاز میگرفتند. (داکتر کاظم، مقاله "باجگیری از ملت"، افغان جرمن آنلین ۲۹ / اکتوبر / ۲۰۱۵)

قابل ذکر است که قانون اساسی جمهوری اسلامی تنها برای رئیس جمهوری معاش و حقوق مالی قابل گردیده بود ولی در قانون جدید معاشات و امتیازات اراکین دولت، روسا و معاونین هر سه قوه

واعضای پارلمان را [ که تعداد مجموعی شان به ۴۰۰ نفر میرسید و در هر پنج سال به تعداد اینها افزوده میشد ] نیز در بر گرفته بود.

وبدینگونه در تاریخ دولتمداری افغانستان ، یک قشر جدید اشرافیت مفتخوار ایجاد شده بود تا مادام العمر برشانه های ناتوان ملت فقیر افغانستان سوار باشند و خون ملت را بمکند. آخر این همه معاشات و امتیازات در عوض کدام خدمت قابل ذکر به این قشر اکثر فاسد باید پرداخته میشد؟

چرا در کشور ما برای کارمندان دولت دو قانون ، یکی قانون تقاعد مامورین بی بضاعت و دیگری قانون امتیازات اراکین فاسد دولت وجود داشته باشد ؟ اراکینی که دست شان در فساد و اختلاس و چپاول دارائی های عامه آزاد آزاد بود.

دانشمند کشور داکتر سید عبدالله کاظم در همان زمان بر این قانون نقدی مفصلی نوشته و در آن به مقایسه معاش یک مامور بلند پایه با یک مامور پایین رتبه پرداخته و چنین نتیجه گیری کرده اند :

« سرجمع معاشات سالانه این اراکین را میتوان چنین سنجش کرد:

رئیس جمهور: ۱۱,۵ میلیون افغانی؛

دو معاون: (هریک ۳,۳ میلیون) جمعاً ۶,۶ میلیون افغانی؛

روسای ستره محکمه و شورای ملی: (هریک ۲,۷ میلیون) جمعاً ۸,۱ میلیون افغانی؛

وزرا، اعضای ستره محکمه، لوی سارنوال و روسای ارگانهای مستقل تخمین ۵۰ نفر: (هریک

۲,۴ میلیون) جمعاً ۱۲۰ میلیون افغانی؛

اعضای شورای ملی (ولسی جرگه ۲۴۸ نفر بدون رئیس، مشرانو جرگه ۹۹ نفر بدون رئیس) جمعاً

۳۴۷ نفر: (هریک ۲,۴ میلیون) جمعاً ۸۳۳ میلیون افغانی.

به این اساس سرجمع معاشات سالانه اراکین فوق الذکر که تعداد شان در حدود ۴۰۰ نفر میرسد، به اضافه بعضی امتیازات به یک میلیارد افغانی بالغ میگردد.

هرگاه مجموع مامورین ملکی دولت را در حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر تخمین کنیم، در آن صورت یک

میلیارد افغانی برای ۴۰۰ مامور عالی رتبه که ۰,۱ فیصد مجموع مامورین ملکی را می سازد،

پرداخته میشود، در حالیکه برای متباقی ۹۹,۹ فیصد مامورین مبلغ ۱۵۰ میلیارد افغانی اختصاص

می یابد.

هرگاه ارقام فوق را به مقایسه پایانترین معاش یک مامور ملکی دولت که طبق قانون در حدود

۵۰۰۰ افغانی در ماه میگردد با سطح معاش و امتیازات رئیس جمهور و دیگر اراکین بلند پایه

دولت مقایسه کنیم، دیده میشود که رئیس جمهور با معاش و امتیاز ۹۶۰۰۰۰ افغانی در ماه تقریباً

۲۰۰ چند و معاونین او ۱۱۰ چند، روسای قوای مقننه و قضائیه ۹۰ چند، وزرا و اعضای

پارلمان و ستره محکمه تقریباً ۸۰ چند بیشتر از یک مامور پایان رتبه دولت معاش میگیرند.» (داکتر

کاظم: حکومت وحدت ملی، عنقریب سه منزله میشود، افغان جرمن، ۲۸ / ۱۰ / ۲۰۱۵)

چنین باج گیری ظالمانه و ناروای حتی در دوره سقوی هم در افغانستان وجود نداشت که تفاوت

معاش بلند پایه گان دولت ۲۰۰ تا ۱۱۰ برابر معاش یک مامور پایین رتبه باشد. مگر با تاسف که

در دولت مافیایی حامد کرزی چنین قانونی ظالمانه و نامنصفانه بنام معاشات اراکین بلند رتبه دولت

(باج گیری دولت از ملت) طرح و تصویب و نافذ گشت و تا فرار اشرف غنی سالانه یک هزار

میلیون افغانی از کیسه ملت فقیر افغانستان بجیب حامد کرزی و معاونین او و سایر اراکین بلند رتبه او

در مدت مدت ۲۰ سال ریخته میشد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

درحالی که ۱۲ ملیون افغانی بنام معاش و خرچ دسترخوان به حساب کرزی بدون انجام خدمتی سرازیرمیشد، دولت اشرف غنی نیز از کیسه ملت گرسنه، ۲۳ ملیون افغانی را برای مصرف آرگاه و بارگاه حامدکرزی، منظور کرده بود.

این اقدام اشرف غنی که با اعتراضات تند رسانه های داخلی مواجه گردید، چندان فرقی با گردن زدن مردم از سوی داعش و حملات انتحاری طالبان بر مراکز صحتی کشور نداشت. زیرا چه دولت از حقوق ملت بیچاره و فقیر کشور کم کرده و آن را در راه ارضای خواهشات مخالفین شخصی به مصرف برساند و با اینکارش یک سوم از ملت فقیر و زیرخط فقر را از گرسنگی و بی سرپناهی به دست مرگ تدریجی بسپارد، چی طالب و داعش آنها را هنگام تصرف شهرها و روستاها گردن بزند و یا با بمب منفجر کند، در هر دو حالت، نتیجه یکی است، مرگ!

آیا بهتر و شایسته تر نبود تا دولت این مبلغ گزاف پول را، بجای حامدکرزی، به مصیبت زدگان زلزله درکشور و یا به بیجا شدگان قندوز توزیع میکرد، تا مرهمی می بود بردل زخمی و خون چکان مصیبت دیدگان زلزله و بیجا شدگان شهر قندوز و سایر شهرها و روستاهای تحت ضربات طالبان و داعش در شمال و شمال شرق و یا جنوب غرب کشور!

این کار اشرف غنی به این معنی نیز تعبیر میشد که او در کار دولتمداری حتی از حامدکرزی هم ضعیف تر و بیچاره تر بوده است و برای اینکه جلو تخریبات و تحریکات مخالفین خود را بگیرد، به آنها از جیب ملت و یا از کمک های جامعه جهانی رشوت میداد. منتها این رشوت دهی را میخواست در لفاغه ایجاد یک دفتر و یک بست فوق العاده در سطح رهبری کشور قانونی جلوه بدهد و برای ایجاد آن دلیل و برهان بتراشد، دلیل و برهانی که پایه و اساس منطقی و ضرورت عینی ندارد و صدای اهالی قلم و فهم کشور را هم در داخل و هم در خارج بلند کرده است.

هیچ دولتی حق ندارد تا از قدرت و صلاحیت خود برضدمنافع مردم خود سوء استفاده کند و برای آینده خود و وابستگان خود امتیازاتی را از جیب ملت بالا بکشد و ریزرف کند.

قشر آگاه کشور می باید در برابر چنین قوانین ظالمانه و ناعادلانه که برای حیف و میل دارائی های عامه وضع شده و میشوند صدا بلند کنند و نگذارند که هر روز گردن اراکین بلندمایه کلفت تر، و مردم فقیر فقیرتر شوند. اگر عوام الناس در برابر این همه نارواییها و بی عدالتی ها کاری کرده نمیتوانند، دلایلش نادانی و بیسوادی خواهد بود ولی آنها می باید خاموشی اختیار کنند و باید با قلم خود بنیاد ظلم را نابود کنند و دانش و خرد خود را علیه خائنین غارتگر به کار گیرند و دست ظالم را از گریبان خود و فرزندان خویش کوتاه سازند.

پایان ۲۰۲۱ / ۱۰ / ۳